

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آلبرتو سی روئیز *

فرستنده: عثمان حیدری

۲۵ فبروری ۲۰۱۹

امپریالیسم کارگری: عملیات پنهان AFL-CIO در ونزوئلا



(Photo: Juan Barreto/Getty)

در سال ۲۰۰۲، بازوی بین‌المللی AFL-CIO موسوم به «مرکز همبستگی» پس از آن‌که معلوم شد از بازیگران شرکت‌کننده در کودتای کوتاه‌مدت علیه پرزیدنت هوگو چاوز حمایت می‌کرده، بسیار شرم‌منده و سراسیمه شد. همان‌طور که نویسندگان و نوشته‌های بسیاری در آن موقع نشان دادند، «مرکز همبستگی» با پول اعطائی از «موقوفه ملی برای دموکراسی» (NED)، از «کنفدراسیون کارگران ونزوئلا» (CTV) حمایت می‌کرد و آن به نوبه خود ابزاری در کودتا علیه چاوز بود و همان‌طور که خوانندگان ممکن است به یاد داشته باشند، در ربودن هوگو چاوز درگیر بود.

به عنوان مثال، «نیویورک تایمز» در مقاله‌ای تحت عنوان «کمک مالی ایالات متحده به خاطر ارتباط با سرنگونی چاوز زیر ذره‌بین است» نوشت: «موجب نگرانی ویژه ۱۵۴,۳۷۷ دالری است که از طرف موقوفه ملی برای دموکراسی به مرکز امریکائی برای همبستگی کارگری بین‌المللی، بازوی بین‌المللی AFL-CIO داده شد، تا به سندیکای کارگری اصلی ونزوئلا برای پیشبرد حقوق کارگری کمک کند.» همان‌طور که «نیویورک تایمز» گفت: «سندیکای ونزوئلایی، کنفدراسیون کارگران ونزوئلا، اعتصابات کارگری را رهبری کرد که مخالفت با آقای چاوز را برانگیخت. «کارلوس اورتگا» رهبر سندیکا، با «پدرو کارمونا استانگا» سرمایه‌داری که برای مدت کوتاهی در رویارویی دولت جای آقای چاوز را گرفت، ارتباط نزدیک داشت.»

و بیشتر از این، معلوم شد که «مرکز همبستگی» درست قبل از کودتا، نقش مهمی در متحد کردن «کنفدراسیون کارگران ونزوئلا» و «اتاق بازرگانی ونزوئلا» (FEDECAMARAS) بازی کرد. این مهم است زیرا «کنفدراسیون کارگران ونزوئلا» و «اتاق بازرگانی ونزوئلا» مشترکاً کودتا را طراحی و اجراء کردند. با این وجود، «مرکز همبستگی» به طرز تعجب‌برانگیزی در محل نماد تا شاهد سرانجام کودتا باشد. این بدین خاطر است که درست سه هفته قبل از انجام کودتا، دفتر خود را (که مسؤول کل منطقه آند است) از کاراکاس، ونزوئلا به بوگوتا، کلمبیا منتقل کرد.

«مرکز همبستگی» سعی کرد- با انکار این‌که «کنفدراسیون کارگران ونزوئلا» که از آن در واقع تا زمان کودتا حمایت می‌کرد، هیچ ارتباطی با کودتا نداشت، از خود در برابر اتهاماتی دفاع کند که می‌گویند هنوز اسیر شگردهای همکاری خود با دولت ایالات متحده در جنگ سرد برای سرنگون کردن دولت‌های مترقی و ملی‌گرا در جهان سوم است- به عنوان مثال سرنگونی آلنده در چیلی و آربنز در گواتمالا. همان‌طور که «بوستون گلوب» در مقاله‌ای تحت عنوان «تحقیق پی‌برد، دالره‌های مالیاتی ایالات متحده صرف کمک مالی به برخی از دشمنان چاوز شد» نوشت این انکار با توجه به این واقعیت رنگ می‌بازد که «رسانه‌های ونزوئلا نوار یک مذاکره تیلیفونی بین پرنس [کارلوس آندرس پرنس رئیس‌جمهور تبعیدی سابق] و کارلوس اورتگا، رئیس «کنفدراسیون کارگران ونزوئلا» را پخش کردند که در آن دو طرف علیه چاوز توطئه می‌کردند.» در پایان، AFL-CIO بعداً اعتراف کرد که رهبری «کنفدراسیون کارگران ونزوئلا» فعالانه در کودتا علیه چاوز شرکت داشت. همان مقاله «بوستون گلوب» نتیجه گرفت که دفاع دیگر «مرکز همبستگی» مبنی بر این‌که صرفاً در موضوعات دموکراسی‌سازی داخلی به «کنفدراسیون کارگران ونزوئلا» کمک می‌کرد، دروغ ثابت شده است.

این ما را به امروز می‌آورد. اگر کسی که در ارتباط با آن اعمال بد نگران است به وبسایت «مرکز همبستگی» برود و لینک «ما در کجا کار می‌کنیم» را باز کند، ممکن است آسوده‌خاطر شود که ونزوئلا مشخصاً از فهرست کشورهای «مرکز همبستگی» در آن‌ها فعالیت می‌کند، غایب است. به همین سبب، «مرکز همبستگی» در آخرین «گزارش سالانه» خود هیچ اشاره‌ای به ونزوئلا نمی‌کند. اما، اگر کسی به وبسایت یکی از بزرگترین حامیان «مرکز همبستگی» یعنی «موقوفه ملی برای دموکراسی» برود، خواهد دید که این گمراه کننده است. زیرا، «موقوفه ملی برای دموکراسی» در بخشی تحت عنوان «منطقه امریکای لاتین» توضیح می‌دهد که اخیراً ۴۰۰,۰۰۰ دلار به «مرکز همبستگی» داده است تا در کلمبیا و ونزوئلا فعالیت کند. من یادآور می‌شوم که این مبلغ علاوه بر ۲ میلیون دالری است که «موقوفه ملی برای دموکراسی»- که وبسایت آن علناً انزجار خود را از «سوسیالیسم قرن بیست‌ویکم» اعلام می‌دارد- به «مرکز همبستگی» برای دیگر فعالیت‌ها در امریکای لاتین داده است. و همان‌طور که «موقوفه ملی برای

دمکراسی» توضیح می‌دهد، «در ونزوئلا، مرکز همبستگی کار خود با شرکاء را ادامه خواهد داد...». کلمات بسیار نامیمونی اگر ماهیت کاری که شرکای «مرکز همبستگی» در ونزوئلا درگیر آن بوده اند، در نظر گرفته شود. آشکار نیست که «مرکز همبستگی» AFL-CIO - که تقریباً تمام بودجه خود را از کمک‌های فدرال تأمین می‌کند (۲۸ میلیون دلار از کل بودجه ۳۰ میلیون دلاری آن) - از منابعی مانند «موقوفه ملی برای دموکراسی»، وزارت امور خارجه ایالات متحده، و «آژانس امریکائی برای کمک بین‌المللی» (USAID) - در حال حاضر در ونزوئلا چه می‌کند. منابع در سفارت ونزوئلا در شهر واشنگتن می‌دانند که AFL-CIO در ونزوئلا است و ظنین هستند که به گروه‌های اپوزیسیون در تلاش برای کنار زدن پرزیدنت چاوز در انتخابات ریاست جمهوری آینده فعالانه کمک می‌کند. بازهم، حقیقت آشکار نیست، اما با توجه به پرونده دهشتناک AFL-CIO در امریکای لاتین، و در ونزوئلا در گذشته نزدیک؛ و با توجه به این‌که حامدانه این واقعیت را پنهان می‌کند که حتا در ونزوئلا فعالیت دارد؛ و با توجه به این‌که عمدتاً برای بودجه خود به دولت ایالات متحده و «موقوفه ملی برای دموکراسی» دو منبعی که علناً با دولت کنونی در ونزوئلا خصومت دارند - وابسته است، سوءظن به این‌که AFL-CIO سرگرم فعالیت‌های مشکوک در ونزوئلا است، منصفانه به نظر می‌رسد.

نهایتاً، تنها راه رفع این سوءظن‌ها این است که AFL-CIO با اعضای خود صادق باشد و علناً در باره فعالیت‌های جاری خود در ونزوئلا و همه ۶۰ کشوری که در آن‌ها درگیر است، حساب پس بدهد. مشکل تا امروز این بوده است که AFL-CIO فراخوان‌های رسیدگی به فعالیت‌های خود در جهان سوم را رد کرده است، و اصرار دارد که از نظر بین‌المللی در سایه - و در موارد بسیاری به نمایندگی از طرف منافع سیاست خارجی ایالات متحده - فعالیت کند. زمان این پنهان‌کاری باید به سر برسد. با این وجود، من ابداً خوش‌بین نیستم، عمدتاً به این دلیل که مسایل زیادی در ارتباط با زدوبند‌های بین‌المللی AFL-CIO برای پنهان کردن وجود دارد. در واقع، بهترین توضیح این واقعیت را عضو سابق «مؤسسه امریکائی برای گسترش آزاد کار» (AIFLD) (سلف «مرکز همبستگی») مطرح کرد و خواهان آن شد که AFL-CIO پیرامون امور بین‌المللی خود «شفاف» عمل کند. این فرد، که به شرط عدم افشای نامش اظهار نظر کرد، نکات زیر را در باره سیاست‌های امپریالیسم کارگری AFL-CIO بیان نمود:

«در واقع، AFL-CIO چیزهای زیادی پیرامون دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ارتباط با مؤسسه‌های بین‌المللی خود برای پنهان کردن دارد... «فدراسیون امریکائی کار» (AFL) در این دوره به خاطر شورش‌های کمونیستی در سراسر جهان یا، حداقل، شورش‌های کمونیستی متصور، همیشه در دریافت کمک مالی از رؤسای جمهور جمهوری‌خواه موفق‌تر بود. همان‌طور که می‌دانید، من به مدت سه سال در امریکای مرکزی و کارائیب بخشی از فعال‌ترین دوره بودم. بعضی چیزها را می‌توانم بگویم و بعضی چیزها را به خاطر احتمال پیگرد قانونی نمی‌توانم مطرح کنم. می‌توانم بگویم که رخت‌های چرک زیادی وجود دارد. برخی کمک‌های مالی مربوط به چیزی بود که من عملیات مخفی می‌نامم، گرچه این بخش خیلی کوچکی از کل فعالیت جهانی بود. بخش عمده فعالیت مربوط به این می‌شد که به سفارتخانه‌ها و وزارت امور خارجه ایالات متحده چیزی گفته شود که می‌خواستند بشنوند و این‌که سندیکاهای کارگری در تمام اقتصادهای در حال توسعه تحت تهدید کمونیست‌ها و خرابکاری چپ افراطی قرار داشتند، گرچه در اکثر موارد آنان مواردی از ملی‌گرایی افراطی بودند و نه ملهم از کمونیست‌ها. در هر حال، آن راهی بود که می‌شد کمک‌های مالی دریافت کرد و مؤسسات از این طریق قدرت خود را، با پول و کادر، بنا کردند. هر سرپرست برنامه کشوری همین کار را کرد، پول، پرستیژ، قدرت، اعمال نفوذ.

دلایل روشنی برای پرداختن به گذشته وجود دارد، محرمانه بودن اطلاعات، از دست دادن کمک مالی، برخی افراد هنوز جزو کادرها هستند گرچه اکثراً تصفیه شدند...»

و، در حالی که فعالیت بین‌المللی AFL-CIO قرار بود بعد از رسیدن «جان سویی» به ریاست در سال ۱۹۹۵ تغییر کند، همین منبع روشن کرد که بنا به خود ماهیت فعالیت بین‌المللی AFL-CIO و کسانی که از آن حمایت می‌کنند، چنین چیزی اتفاق نیفتاد. آن‌طور که او توضیح داد:

«برخی افراد در AFL در خدمت برنامه قرار گرفتند. جان سویی یکی از افراد مورد علاقه برای عضویت هیأت‌های عالی‌رتبه‌ای بود که در مأموریت‌های حقیقت‌یاب و همبستگی در سراسر جهان شرکت می‌کردند و، من می‌توانم اضافه کنم، در بهترین هتل‌ها اقامت می‌کردند و نوعی تور گروهی درجه یک بود... مناصب خود می‌توانند فاسد کننده باشند و شهرت بین‌المللی دارند...»

من این مقاله را با این امید می‌نویسم که AFL-CIO نگاه جدی به خود و به نقش خود در جهان ببندد؛ به این امید که نفوذ فاسد کننده دریافت میلیون‌ها دلار از «موقوفه ملی برای دموکراسی» و از وزارت امور خارجه ایالات متحده را مورد بازبینی قرار دهد. پولی که ناگزیر آن‌ها را اسیر منافع سیاست خارجی ایالات متحده می‌کند، حتا در حالی که AFL-CIO، در منتهای وارونه‌گویی و ریاکاری، ادعا دارد با چیزی که در کشورهایی مانند چین و کوبا سندیکاهای «تحت سلطه دولت» تصور می‌کند، می‌جنگد. و به طور خلاصه، امیدوارم که با زیر سؤال بردن فعالیت‌های پنهان کنونی آن در ونزوئلا، AFL-CIO برای همیشه، یا حداقل تا زمانی که تصمیم بگیرد به کشورهایی مانند ونزوئلا در مبارزات علیه سلطه ایالات متحده کمک کند، آن کشور را ترک نماید.

* آلبرتو سی روئیز، از پیشکسوتان جنبش سندیکائی و جنبش صلح.

منبع: کانترپانچ

تارنگاشت عدالت

توضیحات «عدالت»:

** AFL-CIO مخفف «فدراسیون امریکائی کار - کنگره سازمان‌های صنعتی» است.

*** برای آشنائی با نمونه‌هایی از فعالیت‌های «مرکز همبستگی» در ارتباط با ایران نگاه کنید به:

۱- «رهبر سندیکائی ایران ربوده شد»:

http://www.solidaritycenter.org/files/pressrelease_osanloo071107.pdf

۲- لخ والسای ایران از زندان آزاد شد»:

<http://www.demdigest.net/blog/2011/06/iran%E2%80%99s-lech-walesa-freed-from-jail>

۳- «صدها آموزگار ایرانی در جریان اعتراض مسالمت‌آمیز مورد ضرب و شتم قرار گرفتند»:

<http://www.solidaritycenter.org/content.asp?contentid=658>

۴- «مرکز همبستگی» از طریق شعب و وابستگان خود در کشورهای مختلف موضع خود درباره جنبش کارگری ایران را پیش می‌برد. به عنوان مثال، نگاه کنید به فعالیت همفکران آن‌ها در اندونزی در ارتباط با ایران:

<http://solidaritycenter.org/content.asp?contentid=899>

۵- نگاه کنید به انعکاس فعالیت‌های «کارگری» «مرکز همبستگی» در وبلاگ «تغییر رژیم ایران»:

<http://regimechangeiran.blogspot.com/2006/02/solidarity-center-demands-release-of.html>